

■ تأثیر حضور مهاجران سیک در وضعیت اجتماعی و اقتصادی زاهدان (۱۳۰۷-۱۳۲۷ ش)

اعظم ریاحی

چکیده

در آستانه جنگ جهانی اول، انگلیسی‌ها، به منظور حفظ خط ارتباطی هند-ایران، راه آهن سراسری هندوستان را، از طریق بلوچستان هند به دزدآب، در بلوچستان ایران، متصل کردند. پس از این اقدام و تسریع حمل کالا به هند، شماری از سیک‌های هندی به دزدآب، که بعدها به زاهدان تغییر نام یافت، مهاجرت کردند. اما سکونت سیک‌ها در کنار مسلمانان مناقشات و رقابت‌هایی در پی داشت که متأثر از اوضاع سیاسی و مذهبی هندوستان بود. در این نوشتار، در نظر است، با روش تطبیقی و تحلیلی، و با تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای به این مسئله پاسخ داده شود که آیا پیش و پس از استقلال هندوستان، به‌عنوان موطن اصلی سیک‌ها، تغییرات مشهودی در زاهدان ایجاد شد که پیامد حضور مهاجران سیک در این منطقه باشد؟

بررسی تطبیقی سه متغیر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، و مذهبی گروه مهاجر در منطقه و تأثیر وضعیت سیاسی و مذهبی مقصد و مبدأ مهاجرت بر این سه مؤلفه بیانگر آن است که مهاجرت اقلیتی غیرمسلمان و غیرایرانی به زاهدان، به‌واسطه شکل‌گیری گمرک، اتصال راه آهن هند به دزدآب، و به منظور اهداف اقتصادی صورت گرفت. فرصت‌های اقتصادی در زاهدان، برآمده از سیاست‌های اقتصادی و بازرگانی در هند بود که بر روند توسعه اقتصادی زاهدان تأثیر مستقیم داشت. اتباع هندی، به‌ویژه سیک‌ها، با بهره‌گیری از این سیاست‌ها به سودهای سرشاری دست یافتند و در برخی موارد محرومیت تجار بومی از عواید این سیاست‌ها را سبب شدند. به دنبال تغییر سیاست‌های اقتصادی هند، که مناقشات مذهبی و سیاسی مهم‌ترین علت آن محسوب می‌شد، روند مهاجرت دگرگون شد و با کاهش فرصت‌های اقتصادی در زاهدان، گمرک این شهر، که مسیر توسعه را می‌پیمود، به سوی سرایشی کشانده شد.


کلیدواژه‌ها

سیک‌ها / زاهدان / استقلال هندوستان / راه آهن / مسلمانان / هندوها / گمرک / مهاجرت

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و یکم، دفتر اول، (بهار ۱۳۹۰)، ۳۳-۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۲۱ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۱۰



تأثیر حضور مهاجران سیک در وضعیت اجتماعی و اقتصادی زاهدان (۱۳۰۷-۱۳۲۷ ش)

اعظم ریاحی^۱

مقدمه

از دیرباز، ایران، به واسطه پیشینه کهن تمدنی و موقعیت خاص ارتباطی، پذیرای اقوام و مذاهب گوناگون از سایر ملل بوده است. در آستانه جنگ جهانی اول، انگلیسی‌ها، بنابه ضرورت حفظ خط ارتباطی هند-ایران، در صدد برآمدند تا راه آهن سراسری هندوستان را، از طریق بلوچستان هند، به دزدآب، در بلوچستان ایران متصل نمایند. احداث راه آهن، زمینه مساعد تجاری، و همچنین نزدیکی به هند موجب مهاجرت گروهی از سیک‌های هندی به دزدآب شد. حضور گروه مزبور، پیامدهایی به همراه داشت و مناقشاتی در منطقه برانگیخت که واکاوی علل آن یکی از اهداف نوشتار حاضر است.

نگاهی به منابع این دوره و تحقیقات صورت گرفته پیرامون این موضوع، نشان می‌دهد که همواره تاریخ زاهدان بخشی از تاریخ شرق ایران در نظر گرفته شده و علل کلی وقوع رویدادها در شرق ایران، به تمامی بخش‌ها و اجزای آن تعمیم داده شده است و همچنین، از دیرباز انگلیسی‌ها، به جهت موقع حساس شرق ایران، در حفظ سلطه خود بر این بخش اهتمام داشته‌اند. از این جهت، نفوذ و عملکرد انگلیس مهم‌ترین عامل در وقوع هر واقعه تاریخی در شرق ایران قلمداد شده و سایر عوامل همچون نقش گروه‌های قومی و مذهبی (بومی و غیربومی) ساکن در منطقه و بازتاب وضعیت سیاسی-اجتماعی همسایه شرقی بر وضعیت شرق ایران تحت الشعاع این عامل قرار گرفته است. براین اساس، در این نوشتار، در نظر است با بررسی وضعیت گروه‌های قومی و مذهبی در شرق ایران (با رویکردی موردی

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی و کارشناس پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
azamriahi@gmail.com

به نقش مهاجران سیک در زاهدان) به این سؤال پاسخ داده شود که آیا با توجه به تغییرات سیاسی هندوستان، به عنوان موطن اصلی اقلیت مزبور، پیش و پس از استقلال هندوستان، می توان تغییرات مشهودی را در زاهدان مشاهده کرد که پیامد حضور مهاجران سیک در این منطقه باشد؟

بررسی سؤالات زیر می تواند ما را در دستیابی به پاسخ مسئله یاری رساند:

- از آنجاکه مهاجرت، شرایط و ویژگی هایی را بر مهاجر، مبدأ، و مقصد مهاجرت مترتب می دارد، آیا می توان ورود سیک ها به زاهدان را، در دوره مورد بحث، مهاجرت قلمداد کرد؟

- با توجه به آنکه گمرک و راه آهن دو عامل تأثیرگذار در این منطقه محسوب می شوند، آیا موقعیت سیک ها موجب تغییر عملکرد این دو عامل گردیده است؟

فرضیه های زیر را می توان در پاسخ به سؤالات بالا ارائه داد:

- حضور سیک ها در ایران، به عنوان اتباع هندی، شرایطی را بر آنها مترتب می داشت که بازتاب وضعیت اجتماعی - سیاسی هندوستان بود.

- از آنجاکه ورود سیک ها به زاهدان، به دلیل فرصت های اقتصادی مناسب در این منطقه بود، می توان ورود آنها را مهاجرت قلمداد کرد.

- مهاجرت سیک ها به زاهدان مهم ترین علت رونق گمرک و راه آهن این شهر قلمداد می شود و خروج آنها تأثیر منفی بر این روند داشت.

روند توسعه زاهدان در دوره قاجار و پهلوی

در طرح مسئله به تغییر «موقع اجتماعی و سیاسی» یک متغیر، یعنی «هند»، و تأثیر آن بر متغیری دیگر، یعنی «سیک» ها، اشاره شد و از آنجاکه تغییر در یک محدوده جغرافیایی و اجتماعی معین صورت می پذیرد، (روشه، ۱۳۷۰، صص ۲۱) ضروری است ابتدا مختصری به جغرافیای تاریخی مکان وقوع تغییر، یعنی زاهدان، پرداخته شود.

در آغاز پادشاهی فتحعلیشاه، در محلی که امروزه زاهدان نامیده می شود، چاه آبی قرار داشت که راهزنان پس از غارت کاروان ها در آنجا می آسودند. در سال ۱۳۱۵ ق. / ۱۲۷۷ ش. به تدریج، روند آبادانی این منطقه با سکونت چند خانواده آغاز شد و روستایی شکل گرفت که آن را «دزدآب» نامیدند (عسگری، ۱۳۵۷، ص ۳۸). نزدیکی این محل به مرز و قرارگیری بر سر راه ارتباطی هندوستان، توجه انگلیس و دولت ایران را به خود جلب کرد. دولت ایران، به منظور کسب درآمد از موقعیت تجاری این بخش، در سال ۱۳۱۹ ق. / ۱۲۸۱ ش. گروهی از کارشناسان و متخصصان بلژیکی را برای راه اندازی گمرک مرزی به دزدآب گسیل داشت

۱. جهانبانی اسم اصلی این محل را «دزدان آب» ذکر می کند که مخفف آن دزدآب رایج شد (جهانبانی، بی تا، ص ۱۱).

و با احداث گمرک بر اهمیت و جمعیت این محل افزوده شد و منطقه وسیع تر گردید، و به‌منابه چهارراهی تجاری، سایر مناطق ایران را به همسایگان شرقی متصل کرد. تعداد زیادی از بازرگانان هندی و جمعی از پیشه‌وران یزدی و مشهدی و گروهی از کارگران بلوچ و زابلی به این نقطه عزیمت کردند و به‌تدریج شالوده و اساس شهر استوار گردید (یغمایی، ۱۳۵۵، ص ۷۳).

در ۱۳۳۱ ق. / ۱۹۱۲ م، شوکت‌الملک^۱ علم، به‌منظور سرکوب طوایف شرور بلوچ، نیرویی را به مرز بلوچستان گسیل داشت. رؤسای قبایل بلوچ که در دزدآب اقامت داشتند، پس از اطلاع از ورود نیروهای دولتی به دزدآب، درصدد مذاکره برای سازش برآمدند. امیر شوکت‌الملک، گروهی را با شرط بازگرداندن اموال مسروقه و کنار گذاشتن شرارات نزد آنها فرستاد، ولی در جلسه سوم مذاکره، رؤسای عشایر از فرصت استفاده و شبانه محل را ترک کردند و برای مدتی امنیت در این منطقه برقرار شد (منصف، ۱۳۵۴، صص ۴۸ و ۴۹).

شروع جنگ جهانی اول و تهدید هند از جانب شرق ایران و ضرورت ارسال نیروی کمکی از هند، تسهیل راه ارتباطی از هند به شرق و جنوب ایران را الزامی کرد. تا آن زمان، خط آهن هند تا نزدیکی میرجاوه در مرز ایران امتداد یافته بود، ولی در آوریل ۱۹۱۸ م. / ۱۳۳۷ ق. حکومت هند به وزارت انگلیس در امور هندوستان پیشنهاد کرد تا برای امتداد خط آهن، عملیات نقشه برداری و بررسی‌های اولیه در جهت شمال به سمت بیرجند صورت گیرد. از آنجاکه دولت هند مایل نبود با امتداد این خط در افغانستان حساسیت افغان‌ها را برانگیزاند، پیشنهاد کرد تا خط آهن از طریق دزدآب و غرب هامون و از میرجاوه در خاک ایران امتداد یابد (مابری، ۱۳۶۹، صص ۳۷۲ و ۳۷۳). حکومت هند در ۸ آوریل ۱۹۱۸ م. / ۱۳۳۷ ق. درخواست کرد تا اجازه امتداد خط آهن از میرجاوه به دزدآب صادر شود و قرار شد که ششصد نفر نیروی کار از هند به آنجا اعزام گردد (مابری، ۲، ۱۳۶۹، صص ۳۷۲ و ۳۷۳). سرانجام، خط راه آهن در ۲ فوریه ۱۹۱۹ به دزدآب متصل شد (مابری، ۱۳۶۹، صص ۳۷۲ و ۳۷۳). خط مزبور، به‌عنوان هفتمین راه آهن ساخته شده در ایران، تقریباً ۱۵ فرسخ در خاک ایران امتداد داشت (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶، ص ۳۳۶). احداث خط آهن، پس از جنگ جهانی اول، راه ارتباطی ایران با هند را تسهیل کرد که مهم‌ترین نتیجه آن رونق تجاری دزدآب و استقرار تجار کشورهای اطراف از جمله هندوها در این منطقه بود. امان‌الله جهانبانی^۲، در اوایل سلطنت رضاشاه، دزدآب را از مهم‌ترین شهرهای مرزی بلوچستان دانسته و جمعیت آن را حدود ۵۰۰۰ نفر برآورد کرد که به‌نظر می‌رسد حدود ۳۰۰۰ نفر از این جمعیت از اتباع خارجی بوده‌اند. بنابراین روایت همین منبع، تجارت عمده دزدآب برعهده چند نفر تاجر هندی و یزدی بود؛ ضمن اینکه طایفه ریگی که در جنوب غربی دزدآب مستقر بودند، طایفه‌ای مطیع بودند که به گله‌داری و زراعت

۱. امیر اسماعیل خان، فرزند میر علم خان حشمت‌الملک در سال ۱۳۰۹ ق. حاکم قائن شد و تا اواخر عمر بر این سمت باقی ماند (سلیمانی، ۱۳۷۹، ص ۹۰).

۲. جیمز فردریک مابری (J.F. Maberly).

۳. سپهبد امان‌الله جهانبانی فرمانده نبردهایی بود که در سال‌های نخست دهه ۱۳۰۰ ش. با اسماعیل آقا سمیتقو در نواحی شمال غرب و غرب کشور درگرفت و به سرکوبی سمیتقو انجامید (جهانبانی، بی تا، صص ۶-۳).

اشتغال داشته، سنی مذهب بوده، و به زبان بلوچی صحبت می‌کردند.^۱
 در ۱۳۰۷ ش. نیروهای دولتی، به‌منظور سرکوب دوست محمدخان، که تا آن زمان در بلوچستان حکمرانی می‌کرد، به سیستان و بلوچستان اعزام شدند. ستون پنجم این قوا به فرماندهی سلطان ابراهیم خان تاج‌بخش، در ۱۲ شهریور ۱۳۰۷ ش.، به‌سوی دزدآب رهسپار شد. پس از چندی، امیر لشکر، امان‌الله خان جهانبانی، و چند تن از فرماندهان لشکر به‌منظور بازدید از انبارهای آذوقه و مهمات به دزدآب وارد شدند و دزدآب یکی از چند مرکز عملیات نظامی شد که بیانگر موقعیت استراتژیک این منطقه است (جهانبانی، بی‌تا، ص ۴۴ و ۴۵).
 دزدآب، با ورود نیروی پیش‌گفته، وارد مرحله جدیدی از حیات اقتصادی و سیاسی شد. استقرار بخشی از سپاه اعزامی در دزدآب، سبب شد دولت توجه بیشتری به این بخش نماید و سرانجام در سال ۱۳۱۴ ش.، رضاشاه، به پیشنهاد امان‌الله جهانبانی، نام دزدآب را به زاهدان تغییر داد (جهانبانی، بی‌تا، ص ۱۱).

وضعیت سیک‌ها^۲ در ایران

از نظر اداره امور اجتماعی سازمان ملل، مهاجر کسی است که:

۱. جهانگرد، بازرگان، دانشجو، و یا مسافر عادی نباشد؛
 ۲. جزء ساکنان مراکزی که به‌طور عادی بین دو کشور رفت‌وآمد می‌کنند، نباشد؛ و
 ۳. جزء پناهندگان یا افراد یا جمعیت‌های جابه‌جا شده یا انتقال یافته نباشد.
- در این تعریف، آن دسته از افراد که در جست‌وجوی شغلی (دائم، فصلی یا موقت) تغییر مکان دهند، «مهاجر» محسوب می‌شوند، که البته شامل بستگان آنها نیز می‌شود (گولد، کولب، ۱۳۷۶، ص ۸۲).
- تأسیس گمرک در دزدآب (زاهدان فعلی) یکی از علل مهاجرت گروه‌های قومی و دینی به این شهر بود. قرارگیری این شهر در حاشیه مرزی بلوچستان و طبعاً، نزدیکی آن با مرز هند، تعداد زیادی از پیروان آیین سیک را که اغلب به کار تجارت اشتغال داشتند، به این شهر سوق داد و سیک‌ها از سال ۱۲۹۸ ق. همراه با هندوها، کرمانی‌ها، کلیمی‌ها، زرتشتی‌ها، و سایر گروه‌ها در این شهر ساکن شدند (کریمان بستانی، ۱۳۸۲، زمستان، ص ۸۴). به‌دنبال طرح امتداد خط راه آهن هندوستان تا زاهدان، تعداد زیادی از سیک‌ها به‌عنوان نیروی کار در این شهر ساکن شدند. پس از اتمام جنگ، خط آهن مذکور، حمل و نقل کالا بین ایران و هندوستان را تسهیل کرد و این گروه، به تدریج، حیات اقتصادی شهر را در دست گرفتند. با توجه به چگونگی و علت ورود سیک‌ها، به زاهدان، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که سیک‌های ساکن در زاهدان مهاجر بودند.
- اغلب مهاجرت‌ها پاسخی است اختیاری به این انتظار که تحرک مکانی به افزایشی

۱. خاطرات جهانبانی دوره پس از ۱۳۰۷ ش. را دربر می‌گیرد. شاید به همین دلیل باشد که روایت او از حضور طایفه‌ای مطیع از بلوچ‌ها در این محل با روایت امیر شوکت الملک که در اوایل جنگ جهانی اول را در بر می‌گیرد متفاوت است برای اطلاع بیشتر رک: (جهانبانی، بی‌تا، ص ۱۰ و ۱۱).

۲. سیک (Sikh): به معنی شاگرد، از ادیان برخاسته از شبه‌قاره هند است. در عرصه جهانی، مذهب و ادیان متعددی وجود دارد که کمتر بدان‌ها پرداخته شده است. «سیک» از جمله این مذاهب است که با وجود نقش مشخص و بسزا در تجارت شرق ایران کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. مرکز اصلی سیک‌ها در هند و مشخصاً در ایالت پنجاب است که، به تدریج، به سبب مسائل سیاسی و تجاری در نواحی اطراف نیز رسوخ کردند. از لحاظ فکری این دین کوششی به‌منظور هماهنگی دو دین فراگیر هند یعنی هندو و اسلام است که در اثر تجربه شخصی مصلحی به نام «گورونانک» ظهور کرد (خانه فرهنگ جمهوری اسلامی در چینی، ۱۳۸۴، فروردین، صص ۶۵-۶۹). توحید عرفانی آموزه اصلی این دین است. در کل حدود بیست فرقه در این دین وجود دارد که عمده اختلاف آنها در رنگ لباس و تراشیدن یا نتراشیدن ریش و موی سر است (خانه فرهنگ جمهوری اسلامی در چینی، ۱۳۸۴، صص ۵۷-۶۳).

در خوشنودی و رضامندی کلی یا به کاهش محرومیت منجر خواهد شد (گولد، کولب، ۱۳۷۶، ص ۸۲۲). اما باید توجه داشت که تفکر افزایش رضامندی تنها جنبه‌ای از پیامدهای مهاجرت محسوب می‌شود و باید سایر جوانب همچون کارکرد مهاجرت را در ساخت مبدأ، مقصد، و واکنش ساکنان بومی در نظر داشت. بر این اساس، و با توجه به دامنه اسناد به دست آمده، بازتاب حضور مهاجران سیک در سه بخش مذهبی، اقتصادی، و اجتماعی، پیش و پس از استقلال هندوستان، بررسی و تبیین خواهد شد.

الف. بازتاب حضور مهاجران سیک در زاهدان پیش از استقلال هندوستان

۱. وضعیت مذهبی

وابستگی سیک‌ها به گودواره^۱ سبب شد تا در سال ۱۳۰۲ش. بنای ساختمان گودواره زاهدان به همت سیک‌های مقیم دزدآب انجام پذیرد (کریمان بستانی، ۱۳۸۲، زمستان، ص ۸۴). سیک‌های مستقر در این شهر، محله و راسته خاص خود را پیرامون گودواره، مهم‌ترین مرکز اجتماع سیک‌ها، پی افکندند و همین امر، سبب شناسایی آنها، به عنوان یک عنصر شایان توجه و مؤثر در روند تاریخی دزدآب شد. نبود سندی مبنی بر واکنش منفی ساکنان بومی با ساخت گودواره، می‌تواند از زمینه فکری موجود در منطقه متأثر باشد، زیرا، از دیرباز، پیوستگی‌های فرهنگی و مذهبی ایران و هند و ارتباط نزدیک مردمان آنها، موجب شکل‌گیری پیش‌زمینه‌ای ذهنی از فرهنگ و سنن مذهبی دیگری شده است؛ بر این اساس، مهاجرت معدودی از سیک‌ها، به منطقه‌ای که در اساس مهاجرپذیر بوده و گروه‌های قومی و مذهبی دیگری را نیز در خود جای داده بود، در ابتدای امر نمی‌توانست مناقشه برانگیز باشد.

با وجود آن‌که اسکان اولیه سیک‌ها صالح‌آمیز بود، افزایش تدریجی تعداد سیک‌ها مناقشاتی را در پی داشت. سواد گزارش نظمیه بیرجند، به اداره کل تشکیلات نظمیه وزارت داخله، به تاریخ نهم آبان ماه ۱۳۰۴، از تعطیلی سه روزه دکان‌ها و تجارتخانه‌های سیک‌ها خبر می‌دهد. در ادامه گزارش، علت تعطیلی، سوزاندن قرآن منسوب به سیک‌ها توسط کارگران راه‌آهن دزدآب ذکر شده است.

تعطیلی تجارتخانه‌ها و اختلال در عملکرد گمرک سبب شد تا رئیس نظمیه برای حل مشکل از کنسول انگلیس تقاضای کمک نماید (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۰۱۰). توهین به مقدسات امری نبود که از سوی سیک‌ها نادیده گرفته شود و به صورت منازعات بین فردی رخ نشان داد. یکی از این موارد، درگیری یکی از سیک‌ها با یک نظامی ایرانی بود که برای خرید آذوقه از دکان یک نفر سیک (تبعه هندوستان)، از اردو خارج شده و ضمن صحبت، تاجر سیک به او توهین کرده و مورد ضرب و شتم قرار داد. این اقدام سبب تهییج افکار عمومی

۱. گودواره، پایگاه اصلی و منحصر به فرد همه مراسم دینی و جشن‌ها و سوگواری‌های مذهبی است و از آنجا که ازدواج در آیین سیک شکلی مذهبی و مقدس دارد، تشریفات مربوط به آن نیز در گودواره انجام می‌شود (کریمان بستانی، ۱۳۸۲، زمستان، ص ۸۴).

شد. بازاریان در اعتراض به این واقعه دکان‌ها را بسته و خواستار مجازات سیک‌ها شدند. مانند رویداد پیش، امور را به کنسول انگلیس ارجاع دادند؛ او نیز وعده داد سیک‌هایی که در این اقدام دخیل بوده‌اند، مجازات شده و به هند باز گردانده شوند (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۰۱۰). با توجه به نزدیکی زمانی این دو رویداد، می‌توان اینگونه فرض کرد که رویداد دوم به نوعی بازخوردی از رویداد اول است و اگرچه اقدامی مشابه از سوی سیک‌ها صورت نگرفت، واکنش سیک‌ها نسبت به رویداد اول در قالب این اقدام رخ نشان داد.

۲. وضعیت اجتماعی

مهاجران، از نظر اجتماعی، تغییراتی را می‌پذیرند و به دنبال آن، بافت اجتماعی شهر را نیز تغییر می‌دهند. یکی از شاخصه‌های تحقق رضامندی در مهاجرت را می‌توان پذیرش عمومی مهاجران از سوی ساکنان بومی مقصد مهاجرت ذکر کرد که عاملی در افزایش احساس امنیت در میان مهاجران است. با وجود آنکه اساس شکل‌گیری آیین سیک، نزدیکی دو آیین بزرگ هندوستان یعنی اسلام و هندو بوده است، به نظر نمی‌رسد در ایران دوره پهلوی، پیروان آیین سیک پذیرفته شده باشند. اگرچه از زمان اسکان سیک‌ها در زاهدان مدتی می‌گذشت، در اسناد به دست آمده، از آنها به عنوان تبعه انگلیس (و نه گروهی از ساکنان زاهدان) یاد شده و امور مربوط به آنها به کنسولگری انگلیس ارجاع می‌شد (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۰۱۰؛ ۲۹۷۰۱۴۶۲۰؛ ۲۹۷۰۱۷۳۴۳۰). این وضعیت سبب محرومیت آنها از بسیاری از حقوق و مزایایی می‌شد که اتباع ایرانی از آن بهره‌مند بودند. گزارش‌هایی از این دست مؤید دو نکته است:

- اگر سیک‌ها اتباع انگلیسی قلمداد می‌شدند، با توجه به اینکه اغلب گزارش‌های یاد شده مربوط به سال‌های نزدیک به جنگ جهانی دوم و سال‌های بعد از آن هستند و فضای ضدبیگانه، به ویژه ضد انگلیسی، مهم‌ترین شاخصه این دوران محسوب می‌شود، فضای حاکم، وضعیت سیک‌ها را در اجتماع آن دوره تحت الشعاع قرار داده و موجی از نفرت عمومی را نسبت به آنها در پی داشت.

- از سویی، نشان می‌دهد، با وجود آنکه، مدتی نزدیک به دو دهه از مهاجرت سیک‌ها به زاهدان می‌گذشت، هنوز تبعه ایران محسوب نمی‌شدند و از بسیاری مزایا محروم بودند و شاید مشمول بسیاری از امتیازاتی می‌شدند که به واسطه تبعه انگلیس بودن بر آنها مترتب می‌شد.

نگاه فرهنگی جامعه سیک، که در بخشی از اسناد نمود یافته است، حاکی از آن است که حضور آنها در ایران، به دلیل تحقق رضامندی تجاری در فضای مساعد اقتصادی در کوتاه مدت بوده و نه به منظور پذیرش قراردادهای اجتماعی سرزمین مقصد و تحلیل تدریجی در فضای فکری و فرهنگی ایران. در واقع، همین ضرورت، یعنی حفظ آداب و رسوم و فضای فکری و فرهنگی سرزمین مبدأ، آنان را واداشت تا با تأسیس مراکز فرهنگی و آموزشی خاص

سیک‌ها، نسل آتی را حافظ آداب و رسوم خود و آماده برای حضور در موطن اصلیشان پرورش دهند. سندی به تاریخ سوم آذر ۱۳۱۴، این موضوع را شفاف‌تر بیان می‌دارد. به گزارش یکی از کارکنان اداره ایالتی معارف و اوقاف مکران، که در ۲۷ آبان ۱۳۱۴، از بلوچستان دیدن کرده بود، سیک‌ها در زاهدان دبستانی دایر کردند که درس‌ها به زبان انگلیسی تدریس می‌شد. کارمند مذکور وضعیت این دبستان را اینگونه تشریح می‌کند:

«... دبستانی ملاحظه شد شش کلاسه (در سه اطاق) که اطفال مانند مکاتب قدیمه روی زمین نشسته و در این دبستان زبان انگلیسی تدریس [می‌شود] محل دبستان فوق العاده کثیف و طاق‌ها سیاه مخالف اصول صحیح و اطفال ... بزبان فارسی تکلم نمی‌کردند...» (ساکما: ۱۷۳۴۳، ۲۹۷۰).

وضعیت مشروحه سبب شد تا چند نفر از تجار سیک را احضار کرده و درباره وضع موجود از آنها توضیح بخواهند. آنها تصحیح این وضع را به اجازه رسمی دولت برای حفظ برنامه تدریس فعلی دبستان مشروط کردند. اما آنچه در این گزارش شایان توجه است، دلیل تجار سیک برای حفظ برنامه تدریس است:

«... زیرا اطفال ما برای ادامه و تکمیل تحصیلات ناگزیرند به هندوستان رفته و آنجا زبان فارسی^۱ استفاده نخواهند کرد...» (ساکما: ۱۷۳۴۳، ۲۹۷۰).

در ۱۸۳۵ م، زبان انگلیسی زبان رسمی هند شد و برای اقلیت سیک، که همچنان تبعه هندوستان محسوب می‌شدند، بیشتر از آنکه زبان فارسی در اولویت باشد، یادگیری زبان انگلیسی الزامی بود. با وجود آنکه سیک‌ها در ایران سکنی گزیده بودند و محل امرار معاش آنها ایران بود، نبود امکانات ادامه تحصیل و شاید نبود مقبولیت عمومی و موانع قانونی سبب می‌شد تا آنها همچنان سرزمین موعود خود را هندوستان دانسته و هر اقدامی در ایران را مشروط به پذیرش آن در هند نمایند؛ که البته این امر، یعنی پذیرفتن ساختارها و قوانین ایران، محرومیت آنها از بسیاری از امتیازات اجتماعی را در پی داشت. سندی دیگر از وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، مورخ شانزدهم اسفند ۱۳۱۴ می‌رساند که وزرات معارف آن زمان ادامه کار دبستان مذکور را به تدریس دروس به زبان فارسی و انتخاب آموزگاران واجد شرایط منوط کرد و در همین سند، به صراحت ذکر شده که در صورت برآورده نشدن شروط یاد شده، از ادامه کار دبستان ممانعت به عمل خواهد آمد (ساکما: ۱۷۳۴۳، ۲۹۷۰). قبول ساختارها و تابعیت ایران سبب بهره‌مندی آنها از بسیاری از امکاناتی می‌شد که هر فرد ایرانی در جامعه آن روز از آن برخوردار بود، اما سیک‌های معدودی که به این کار مبادرت ورزیدند، همچون شیخ صادق که تغییر آیین داده و به اسلام گرویده بود و از اداره اوقاف و معارف خراسان تابعیت ایران و مجوز تأسیس کلاس اکابر روزانه و شبانه را، جهت تعلیمات

۱. پس از سلاطین ممالیک چند خاندان مسلمان قدرت را در هند به دست گرفتند تا آنکه نوادگان امیر تیمور گورگانی سلسله اسلامی گورگانیان هند را پی افکندند. دوره حکومت گورگانیان در هند عصر تحول فرهنگی و احیای ادب و گسترش زبان و ادب پارسی در هند محسوب می‌شود. در زمان اکبر شاه گورگانی زبان فارسی، زبان رسمی هندوستان شناخته شد و در سراسر هندوستان زبان فارسی واسطه تفاهم میان گروه‌های مختلف شد. استقرار کمپانی هند شرقی در قرن ۱۹، همانطور که در ایران سبب تحولات وسیع سیاسی و اجتماعی گردید هندوستان را نیز تحت الشعاع قرار داد. در دوره سلطنت پنجاه ساله اورنگ زیب، کشورهای اروپایی توانستند امتیازات بسیاری را در هند کسب کنند. در سال ۱۶۶۱ انگلیس، بندر بمبئی را از پرتغالی‌ها گرفت و در سال ۱۸۱۸ تقریباً تمام هند جز سند و پنجاب در اختیار بریتانیا بود. سلطه تجاری و سیاسی بریتانیا به واسطه سلطه تجاری بر هند میسر گشت. در ۱۸۳۵ زبان انگلیسی زبان رسمی در هند شد (جلالی‌نایینی، ۱۳۷۵، صص ۱۰، ۱۷، ۵۴، ۵۸ و ۵۹).

سال اول متوسطه تقاضا نمود، به خاطر پذیرش اسلام از گروه سیک‌ها طرد شدند (ساکما: ۲۹۷۰۱۶۶۲۰).

یکی از پیامدهای مهاجرت در سرزمین مقصد، کاهش فرصت‌های شغلی برای ساکنان بومی به واسطه پایین بودن دستمزد مهاجران و گاه وجود سیاست‌های خاص استخدامی است. سیک‌ها، اتباع هندی انگلیس قلمداد می‌شدند و این امر از بعضی جهات سبب اعمال محدودیت‌هایی بر آنها می‌شد، اما برای آنها مزایایی نیز داشت که البته کسب این مزایا سبب محرومیت اتباع ایرانی از آن می‌شد. سهولت استخدام در شرکت نفت ایران و انگلیس یکی از این مزایا بود. سیاست شرکت مزبور بر آن قرار داشت تا به جای اتباع ایرانی، سیک‌ها و هندوها در این شرکت به کار گرفته شوند. کنسولگری ایران، در بمبئی، در گزارشی به شماره ۱۲۸۹، به تاریخ ششم آبان ۱۳۱۶، درباره چگونگی استخدام نیرو در شرکت نفت ایران و انگلیس اظهار می‌دارد که رئیس کارگزینی کمپانی نفتی برای استخدام هندوها و سیک‌ها در شرکت نفت مزایایی قرار داده و از استخدام ایرانی‌ها با بهانه‌هایی چون نگذاردن دوره نظام و وظیفه و کبر سن خودداری ورزیده است. وی در ادامه می‌نویسد:

رئیس کارگزینی شرکت نفتی «قبل از حرکت [به ایران] رفتاری را با یک نفر مهندس زردشتی ایرانی.. نمود.... که اسباب شکایت زردشتی‌ها و پارسی‌ها از کمپانی به قونسولگری شد. مخصوصاً هنگامی که... [ایرانی زردشتی] برای تعیین تکلیف بمشارالیه مراجعه کرده است به او گفته است که اگر اظهار پشیمانی از رفتار خود نسبت به رئیس کمپانی آبادان (که مدعی است زال بانجی به لحن خشن با او مکالمه نموده است) [نماید].... و طلب ارز خارجی نکند آنوقت ممکن است به اظهاراتش رسیدگی گردد» (ساکما: ۲۴۰۰۰۴۶۷۶).

۳. وضعیت اقتصادی

مهاجرت، علاوه بر توسعه شهری، بر بافت اجتماعی و اقتصادی شهرها نیز به‌طور محسوسی اثر می‌گذارد. تأثیرات اقتصادی مهاجرت به مقدار زیادی به نوع مهاجران، تحصیلات، منابع اقتصادی، سن، و جنس آنها بستگی دارد. بعضی از مهاجران ممکن است از طریق افزایش درآمد و پس انداز بیشتر، تولید سرمایه، و تقاضای بیشتر برای کالاهای مصرفی به اقتصاد ناحیه مقصد کمک کنند؛ از طرف دیگر، بسیاری از مهاجران، با افزایش بیکاری که پیش‌تر به آن اشاره شد، به مقصد آسیب می‌رسانند (فیندلی، ۱۳۷۲، ص ۹). شیوه زندگی و کسب درآمد مهاجران بر تراکم جمعیت یک شهر، دسترسی و توزیع امکانات و خدمات شهری تأثیر می‌گذارد.

مشارکت و سهم اقتصادی و تجاری سیک‌ها در زاهدان نیز جای تعمق دارد. اغلب سیک‌ها (به جز سیک‌های شاغل در بخش ساخت راه‌آهن) به امور تجاری اشتغال داشتند، به واسطه آنکه جزء اتباع انگلیس محسوب و مشمول امتیاز حمایت کنسول انگلیس می‌شدند.

طبق گزارش شماره ۴۰۹ اداره کل گمرک وزارت دارایی، به تاریخ یازدهم فروردین ۱۳۲۷، در آغاز جنگ جهانی اول، دولت انگلیس به منظور توسعه خطوط سوق الجیشی و تأمین ارتباط هندوستان- افغانستان- ایران درصد برآمد تا راه آهن هندوستان- افغانستان را در داخل ایران نیز امتداد دهد. تلاش دولت مزبور منجر به وضع مقرراتی در زمینه صادرات و واردات کالا بین هند و ایران گردید که به موجب آن، ارسال کالا از ایران و افغانستان توسط راه آهن مشمول معافیت مالیاتی می شد؛ در حالی که، اگر کالا از طریق دریا و به وسیله کشتی حمل می شد، مالیاتی معادل ۵۰ درصد ارزش کالا بر آن اعمال می شد. این اقدام سبب رونق تجارت و گمرک زاهدان شد و تقریباً بیشتر کالاهای صادراتی ایران از طریق راه آهن زاهدان به هندوستان ارسال می شد. تجار هندو و سیک پس از اسکان در زاهدان، محصولات داخلی را از بازرگانان ایرانی خرید و به وسیله راه آهن به هندوستان حمل می کردند و در مقابل، اجناس خارجی از قبیل چای، قماش، و لاستیک با کرایه ارزان از هند به ایران وارد می کردند (ساکما: ۲۴۰۰۰۷۰۹).

فعالیت های اقتصادی سیک ها در زاهدان به تجارت قانونی محدود نبود؛ اغلب سیک ها، به واسطه حمایت انگلیسی ها و سلطه بر مشاغل مهم، سبب اشاعه مشاغل کاذب و اقتصاد ناسالم می شدند. بر اساس سندی از وزارت عدلیه، اغلب سیک ها از موقعیت خود سوء استفاده کرده و در موارد متعدد برای مأموران سرحدی مشکلاتی ایجاد می کردند «و اگر مأمورین متوجه این گونه اقدامات آنها نشوند تحت تأثیر واقع شده در انجام وظایف خود دچار زحمت می شوند [چیست] سنگه از قاچاق فروشهای سرحدی است و سابقه محکومیت نیز داشته و متجاوز از بیست هزار ریال غرامت مدیون است.... موجب زحمت اهالی و مأمورین سرحدی است.... اقتضا دارد پس از وصول غرامت..... اساساً از مملکت اخراج گردد.... و در هندوستان دستور دهند که دیگر بمشاریه ویزا برای ورود به خاک ایران ندهند» (ساکما: ۲۹۷۰۰۶۶۶۱). قاچاق کالا و مسکوکات به هند بخش اعظم تجارت غیر قانونی آنها را به خود اختصاص داده بود. بر اساس اسناد به دست آمده، این امر در عملکرد گمرک زاهدان و مشهد که سیک ها بیشتر در آنجا فعالیت داشتند، اختلال ایجاد کرده و بخشی از نیروی مادی و انسانی مراکز گمرکی فوق را به خود اختصاص داده بود. در یکی از این موارد، رئیس گمرک خراسان طی نامه ای محرمانه از اداره شهربانی استان شرق در خواست کرد تا با همکاری کنسولگری ایران در کویته درباره عملکرد دو تن از تجار سیک به نام های کویال سنگه و بهار سنگه تحقیق کند که متهم به قاچاق مقداری نقره و چند چرخ خیاطی به هندوستان بودند (ساکما: ۲۹۷۰۰۶۶۶۱).

لازم به ذکر است که نباید نقش انگلیسی ها را در تجارت این منطقه نادیده انگاشت. بهره مندی سیک ها و هندوهای ساکن در مرزهای شرقی از حمایت انگلیسی ها سبب اعمال

محدودیت‌هایی بر تجار ایرانی، در زمینه تجارت با هندوستان می‌شد. یکی از تجار زاهدان، در نامه‌ای خطاب به مدیر کل اقتصادی وزرات دارایی تهران، به تاریخ یازدهم آذر ۱۳۲۵ می‌نویسد: «چند سال است که بواسطه نظریاتی که از طرف مقامات انگلیسی در امور بازرگانی و بازرگانان مقیم زاهدان اعمال می‌شود. با محرومیت بازرگانان ایرانی مقیم این مرز و با نداشتن کار رایج کاملاً سودمندی حتی از صادرات این طریق در حالیکه واردات پر سود آن در انحصار بازرگانان مهاجر هندوستانی است از نظر تقلیل استطاعت دچار خسارت میباشند» (ساکما: ۱۸۶۵۰ و ۲۴۰؛ زرین کلک، ۱۳۸۲، صص ۲۲۴ و ۲۲۵). او، برای نمونه، به نامه‌ای از کنسولگری انگلیس در زاهدان اشاره می‌کند که طبق دستوری از هندوستان تا مدتی سهمیه قماش برای بازرگانان ایرانی تخصیص داده نمی‌شد.

در گزارشی محرمانه از وزارت امور خارجه (به شماره ۴۶ و تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۲۱) عنوان شده است که سرکنسول انگلیس در مشهد، برای رسیدگی به تأخیر ارسال گندم از کویت به ایران، به کویت سفر کرد و در آنجا معلوم شد عده‌ای از تجار، به ویژه تجار سیک، برای کسب سود بیشتر مقدار زیادی شکر خریداری کرده و با واگن‌های مخصوص گندم، بارهای شکر را به ایران ارسال کرده و مانع حمل به موقع گندم به ایران شده‌اند؛ به این وسیله مبالغ زیادی به جیب تجار سیک رفته است (زرین کلک، ۱۳۸۲، صص ۷۹ و ۸۰). محرومیت‌هایی از این دست می‌توانست بار مضاعفی باشد بر کشوری که درگیر مشکلات سیاسی و اقتصادی ناشی از اشغال ایران، در جنگ جهانی دوم بود و از سویی، موجب اعتراض مردمانی شود که «پس از دو سال شکایت در انتظار توجه مقامات دلسوز مملکت» (زرین کلک، ۱۳۸۲، صص ۷۹ و ۸۰) بودند.

با وجود این، اقدامات مذکور بر عملکرد گمرک زاهدان تأثیر منفی نداشت و نمی‌توان نقش سیک‌ها را در توسعه اقتصادی زاهدان و رونق گمرک زاهدان نادیده انگاشت. آمار منتشره حاکی از آن است که در خلال سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ ش.، گمرک زاهدان در واردات و صادرات کالا بین ایران و انگلیس، نقش بسزایی داشت (زرین کلک، ۱۳۸۲، صص ۵۹ و ۶۰). اداره کل گمرک وزارت دارایی، در ۱۳۲۱ ش.، مقدار واردات پنبه از طریق گمرک زاهدان را ۵۶،۹۸۱ کیلوگرم، شکر ۲۰،۹۵۹ کیلوگرم، سایر کالاها را ۲۸۹،۰۳۵ کیلوگرم، صادرات خشکبار ۴۱،۱۶۸ کیلوگرم، پوست ۲۸۳۶ کیلوگرم، و سایر کالاها را ۳۳۳،۸۶۳ کیلوگرم برآورد کرد (زرین کلک، ۱۳۸۲، صص ۹۹ و ۱۰۰).

ب. بازتاب حضور مهاجران سیک در زاهدان پس از استقلال هندوستان

در سال ۱۸۵۷، هندوستان شاهد شورش مردم آن کشور علیه عمال بریتانیا و شرکت کمپانی

هند شرقی بود. این اقدام بهانه‌ای شد تا انگلیسی‌ها با شدت عمل به کشتار وحشیانه مردم دست زنند و آخرین پادشاه گورگانی را از تخت سلطنت برداشته و به برمه تبعید کنند و، بدین ترتیب، هندوستان تحت سلطه کارگزاران شرکت هند شرقی درآمد. در سال ۱۸۷۷، هندوستان رسماً مستعمره انگلیس اعلام شد (جلالی، ۱۳۷۵، ص ۹۵۹؛ نهرو، ۱۳۵۰، صص ۵۴۲ و ۵۴۳).

اما در ۱۸۸۵، عده‌ای از روشنفکران هندی که ایده‌های ناسیونالیستی داشتند، «کنگره ملی هند» را تشکیل دادند. در ۱۸۹۵، حزب کنگره تشکیل شد که هدفش استقلال هندوستان بود (بازرگان، بی‌تا، ص ۱۱۷). در اواسط دهه ۱۳۴۰، جنبش مردم هند به رهبری مهاتما گاندی اوج گرفت و سرانجام آزادی نهایی در ۱۵ اوت ۱۹۴۷ ممکن شد. با این حال، استقلال هندوستان به معنای پایان مناقشات نبود و اختلاف بین مسلمانان و هندوها سبب شد هند به دو بخش مسلمان نشین، با عنوان پاکستان، و بخش دیگر، با عنوان هندوستان، تقسیم شود (بازرگان، بی‌تا، ص ۱۹۸). اما شادی و سرور آزادی و استقلال نسبی به درازا نکشید؛ اختلافات دیرینه مسلمانان و هندوها قتل عام هزاران مسلمان و هندو را در پی داشت. در پنجاب شرقی، هندوها و سیک‌ها به دهکده‌های مسلمان‌نشین حمله‌ور شده، خانه‌ها را آتش زده و مردان و زنان بی‌گناه را می‌کشتند. اختلافات به دهلی، نیز کشیده شد و سیک‌ها کشتار وحشیانه مسلمان‌ها را شروع کردند (بازرگان، بی‌تا، ص ۱۹۸). وقایع و اخبار هند، به سرعت، در ایران پخش شد که می‌توانست عاملی تأثیرگذار در وضعیت سیک‌ها و هندوهای ساکن ایران باشد. در این قسمت، به تأثیر تغییرات اجتماعی و سیاسی هند در موقع مذهبی، اجتماعی، و اقتصادی سیک‌ها پرداخته می‌شود.

۱. وضعیت مذهبی

سرهنگ شوکت، رئیس شهربانی مشهد، طی نامه‌ای محرمانه، به رئیس شهربانی کل کشور، از رویدادی خبر می‌دهد که از شرایط هند در این دوره نشأت گرفته بود. طبق این گزارش، غلامرضا گلکار، سردسته ورزشکاران باستانی در مشهد و رئیس یکی از هیئت‌های مذهبی، با چند نفر نزد آقای نهاوندی و آقای اردبیلی، از مجتهدین درجه اول مشهد، رفته و پیرامون قتل عام مسلمانان در هندوستان و تکلیفشان در این باره سؤال پرسیده بودند. مجتهدین مذکور نیز نزد حاجی میرزا احمد کفائی رفتند تا نظر او را در این باره جویا شوند، حاجی میرزا احمد کفائی اظهار داشت که دولت در این مورد اقدام نموده و اهالی نباید دخالت نمایند. چندی پیش از این نیز یکی از اتباع پاکستان، به نام قربان‌خان صاحب، به منزل حاجی میرزا احمد کفائی می‌رود تا با استناد به سخنان آیت‌الله نجفی -، که در مصاحبه با یکی از خبرنگاران روزنامه‌ای در تهران، درباره کشتار مسلمین در هندوستان، فتوایی مبنی بر همدردی ملت ایران با

مسلمانان هندوستان صادر کرده است (ساکما: ۲۳۰۲/۲۹۰۰۰۲۳۰۲) - حکم جهادی را دریافت کند، اما حاجی میرزا احمد کفائی به سخنان قربان خان صاحب با دیده تردید نگرست و آن را قبول نکرد. همزمان با این رویداد سفارت انگلیس طی نامه‌ای اعلام کرد:

« دولت هندوستان عبور آشوب طلبان بلوچستان هند را به زاهدان و ایجاد زحماتی در جنوب شرقی ایران را ممکن میداند برای جلوگیری از این پیش آمد و همچنین تخفیف در اتباع هند در زاهدان فوراً با مراجعه به تیپ و فرمانداری و کسب نظر اقدامات لازمه معمول و نتیجه تلگراف شود» (ساکما: ۲۳۰۲/۲۹۰۰۰۲۳۰۲).

روند وقایع سبب شد تا به دستور فرمانداری کل بلوچستان، کمیسونی مرکب از فرماندار کل بلوچستان، فرماندهی تیپ زاهدان، فرماندهی هنگ ژاندارمری زاهدان و رئیس شهربانی زاهدان تشکیل شود تا پیش‌بینی‌های لازم برای حفاظت از سیک‌های مستقر در زاهدان صورت گیرد تا «پاره‌ای افراد مفسده‌جو روی رقابت‌های تجارتهی اختلافات مذهبی را آلت مقاصد شوم خود قرار ندهند اقدامات بدوی لازمه معلوم و با مراقبت‌های شبانه‌روزی مأمورین انتظامی تا بحال کوچکترین عمل خلاف انتظام تولید نگشته» (ساکما: ۲۳۰۲/۲۹۰۰۰۲۳۰۲).

گمان نمی‌رود که راهکارهای کمیسون مزبور در وضع سیک‌ها، در ایران، تغییر شایان توجهی ایجاد کرده باشد؛ چراکه نامه‌ای محرمانه، به تاریخ هفتم آذر ۱۳۲۶، از سوی وزیر امور خارجه، خطاب به وزرات کشور، حاکی از ادامه نگرانی مسئولان از این وضع و واکنش مردم در نقاط مختلف کشور در قبال سیک‌هاست. در نامه مزبور، از وزارت کشور درخواست شده است علت اقدامات شخصی، به نام تقی شریف کاشانی، نسبت به اتباع هندوستان مشخص شود (ساکما: ۲۳۱۹/۲۹۰۰۰۲۳۱۹). وزارت کشور در نامه‌ای، شهربانی کل کشور را مأمور تفحص پیرامون این رویداد کرد. شهربانی در پاسخ اعلام کرد که از اتباع هند (سیک و هندو) کسی در کاشان سکونت ندارد «و تقی شریف کاشانی نشریه مزبور را از روی احساسات مذهبی صادر و عوامل دیگری در بین نبوده است» (ساکما: ۲۳۱۹/۲۹۰۰۰۲۳۱۹). او کارمند شرکت ریسندگی کاشان بود که در نشریه‌ای مطالبی درباره کشتار و غارت مسلمانان در هندوستان، توسط سیک‌ها، چاپ و در روز ۲۲ مهر ۱۳۲۶ منتشر کرده بود. سایر نشریات، از جمله روزنامه مظفر، چاپ تهران، در شماره مهرماه؛ آفتاب شرق، چاپ مشهد، در شماره شهریور ۱۳۲۶؛ پرچم آزاد، در شماره ۷۲؛ و روزنامه نجات، مقالاتی علیه سیک‌ها چاپ کردند. در بخشی از اعلان شماره فوق العاده روزنامه نجات آمده است:

«دشمنی سیک‌ها با مسلمانان تازه نیست بلکه سالیان درازی است که دست بخونریزی مسلمانان دراز کرده‌اند..... مسلمانان بدانند اینها تصمیم گرفته‌اند که مقصود خود را که نابود کردن مسلمان در جهان است مخصوصاً در هند عملی سازند... گویا ایرانیان هیچ از این

جنایت‌ها اطلاعی ندارند هنوز به این سیک‌ها بنظر احترام مینگرند. چندی قبل بود که همین سیک‌ها که ضمن ارتش انگلستان بایران آمده بودند شش تن از ایرانیان را در کرج کشتند...» (ساکما: ۲۳۱۹، ۲۹۰۰۰).

در همین اعلان، عتیق‌الله شیخ‌زاده، در مقاله‌ای با عنوان «نصر من الله و فتح قریب» سیف‌آزاد^۱ و علی‌ظهیر^۲ را مسبب نفاق مسلمانان دانسته و به شدت به آنها تاخته است و در ادامه، از بازرگانان و تجار خواست تا معاملات تجاری خود را با سیک‌ها متوقف کنند.^۳

۲. وضعیت اجتماعی

احساس ناامنی اجتماعی را می‌توان مهم‌ترین پیامد مناقشات مذهبی در هند و بازتاب آن در ایران عنوان کرد که سایر جوانب زندگی آنها را نیز تحت‌الشعاع قرار داد. هندوها، به‌ویژه سیک‌ها، از نخستین روزهای حیات تجاری زاهدان، به‌واسطه حضور انگلیسی‌ها و نزدیکی مکانی به منطقه، بر بخش‌های مهم تجاری زاهدان تسلط یافتند. اما تبلیغات منفی برخی روزنامه‌ها و اتباع مسلمان هند و پاکستان سبب شد تا جمعیت هندو و سیک‌های مقیم زاهدان طی تلگرافی مفصل به مقامات کشور خواستار رسیدگی به این وضع شوند. آنها تشکیلات پاکستانی‌ها در ایران را به‌عنوان محرک این اقدامات معرفی و از بازتاب این اعلان‌ها و مقاله‌ها در سایر شهرستان‌ها اظهار نگرانی کردند (ساکما: ۲۳۱۹، ۲۹۰۰۰). موضوع شایان توجه در این تلگراف، اشاره به این واقعیت است که «قبل از پانزدهم اوت ۱۹۴۷ (تاریخ جدایی پاکستان از هندوستان) سیک‌ها نه مشرک بودند و نه کافر... و نه مرام مذهبی این فرقه نابود کردن مسلمانان در تمام جهان بوده...» (ساکما: ۲۳۱۹، ۲۹۰۰۰).

محمد قوام، نخست‌وزیر وقت، طی نامه‌ای به وزارت کشور، شهربانی کشور را مأمور رسیدگی به این وضع و والی بلوچستان را مأمور کرد تا اقدامات حمایتی و امنیتی لازم را مبذول دارد و از انتشار اینگونه مطالب ممانعت نماید. در پی این فرمان، به روزنامه‌های مزبور تذکر و سرمقاله شماره ۱۴۲۵ روزنامه طوس، به تاریخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۲۶، به این موضوع اختصاص داده شد؛ و در این شماره ضمن مذمت این اقدامات اعلام شد:

«به طوریکه شنیده‌ایم حضرت آیه‌الله حاج میرزا احمد خراسانی به مراجعین نصیحت فرموده و مخصوصاً دستور داده‌اند از هرنوع تظاهرات که مخالف دوستی با ملت هند باشد خودداری نمایند تا از طرف مقامات اقدامات رسمی بعمل آید و منظور آنها تأمین گردد. ما هم بنوبه خود به این آقایان تذکر می‌دهیم با قدری تعمق و تفکر متوجه اساس مطلب شده و خدای نکرده آلت دست نشوند که نتایج خوبی در بر نخواهد داشت.» (ساکما: ۲۳۴۰، ۲۹۰۰۰).

اختلاف بین مسلمانان و سیک‌ها در ایران، و ضررهای جبران‌ناپذیر آن، انگلیسی‌ها را نیز که پیوسته بر مدار سیاست تفرقه منافع خود را پیش می‌بردند به تکاپو انداخت؛ سفیر

۱. مدیر هفته‌نامه ایران باستان، اولین شماره هفته‌نامه ایران باستان به مدیریت عبدالرحمن سیف‌آزاد در تهران در ۲۱ ژانویه ۱۹۲۳ / ۱ بهمن ۱۳۱۱ منتشر شد. ایران باستان هفته‌نامه‌ای سیاسی، اقتصادی و مصور بود. مرام آن، چنان‌که در شماره اول آن آمده است، «شناختن ایران امروز به خارج و ایرانیانی که در خارج ایران زندگی می‌کنند؛ خصوصاً پارسیان مقیم هندوستان، راهنمایی‌هایی تجاری و صنعتی به ایشان، معرفی پارسیان مقیم هند و علاقه‌مندی ایشان به ایران». علاوه بر این، سیف‌آزاد خود را طرفدار شاهنشاهی و عظمت ایران باستان دانسته است (برزین، ۱۳۷۱، ص: ۱). سرتیپ زاده، ۲۵۳۶، صص ۴۸ و ۴۹.

۲. سفیر ایران در هند (ساکما: ۲۳۱۹، ۲۹۰۰۰).

۳. روزنامه نجات در صفحه دوم شماره ۶۴۸۷ از انتشار این اعلان اظهار بی‌اطلاعی کرده و آن را اقدام خودسرانه عتیق‌الله شیخ‌زاده دانسته است (ساکما: ۲۳۱۹، ۲۹۰۰۰).

انگلیس، طی نامه شماره ۳۹۵، به وزارت امور خارجه ایران، ضمن اشاره به مذاکرات هند و انگلیس برای حل مناقشات کوبته، از وضعیت سیک‌ها در زاهدان اظهار نگرانی نمود و درباره تأثیر اغتشاشات مزبور در زاهدان و فعالیت آشوب‌طلبان بلوچستان هند در این منطقه هشدار داد (ساکما: ۲۳۴۰: ۲۹۰۰۰). واکنش سیک‌ها و انگلیسی‌ها، دولت وقت را بر آن داشت تا اقداماتی جدی‌تر در پیش گیرد؛ به این منظور، محمود جم، وزیر جنگ، لشکر کرمان را مأمور رسیدگی به این موضوع و حفظ امنیت منطقه کرد (ساکما: ۲۳۴۰: ۲۹۰۰۰).

با استقلال هندوستان، و اختلافات مسلمانان با هندوها و سیک‌ها و جدایی پاکستان، ناامنی راه‌های ارتباطی بین هندوستان و ایران مشکلاتی را برای ایران و افغانستان ایجاد کرد و با وقوع اولین اختلافات در نواحی مرزی رفت و آمد اتباع دو کشور کاهش یافت. مهم‌ترین دلیل این امر را می‌توان احساس ناامنی سیک‌ها در ایران، به دلیل تبلیغات منفی آشوب‌طلبان پاکستانی علیه آنها، و همچنین وضع قوانین حمایتی از سوی مسئولان دو کشور دانست. در کمیسونی که شهربانی زاهدان تشکیل داد (که پیش‌تر بدان پرداخته شد) پیشنهاد گردید تا از تعداد اتباع هندی در زاهدان کاسته و از رفت و آمد آنها به ایران جلوگیری شود؛ ولی از آنجا که سیک‌های مستقر در زاهدان تعدادشان اندک بود و پیش از آن، به منظور کنترل شیوع وبا، در مرز هند به میرجاوه، مقرراتی در عبور و مرور وضع شده و از ورود غیرمجاز اتباع هندی به ایران ممانعت به عمل آمده بود، طرح مزبور لغو گردید (ساکما: ۲۳۰۲: ۲۹۰۰۰). پیامدهای اجتماعی این وضع فقط گریبانگیر سیک‌ها نشد، بلکه به دنبال واکنش دولت هندوستان و کاهش تراز کاری گمرک زاهدان، تعداد زیادی از کارمندان اداره و پاسگاه‌های گمرک زاهدان اخراج و یا به سایر نقاط منتقل شدند (ساکما: ۲۴۰۰۰۷۰۹). و بدین ترتیب، بسیاری از فرصت‌های شغلی از میان رفت که خود سبب بیکاری و حتی مهاجرت کارکنان و نیروهای متخصص گمرک به سایر نقاط شد که در روند توسعه شهری زاهدان تأثیر منفی به جا گذاشت.

۳. وضعیت اقتصادی

پژوهش‌های گسترده‌ای که طی چند دهه گذشته در زمینه مهاجرت صورت پذیرفته، همگی بر یک اصل دلالت دارند که بیشتر مردم به دلایل اقتصادی جابه‌جا می‌شوند و در واقع، شرایط اقتصادی بهتر یا رو به رشد در مقصد از علل عمده مهاجرت برون مرزی یا داخلی محسوب می‌شود. اما باید توجه داشت به دنبال تغییر شرایط اقتصادی در مقصد، جریان مهاجرت نیز دگرگون می‌شود (گیلبرت، گاگلر، ۱۳۷۵، ص ۱۱۰).

هر چند پیامدهای اجتماعی تبلیغات منفی علیه سیک‌ها نامحسوس بود؛ تأثیرات اقتصادی منفی و جبران‌ناپذیری در پی داشت. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، راه‌اندازی خط راه‌آهن

زاهدان به هند و تصویب قوانین گمرکی به نفع حمل و نقل ریلی سبب رونق تجارت در زاهدان شد؛ اما پس از جدایی پاکستان از هندوستان، ارتباط مستقیم ایران به هند قطع شد و پاکستان به صورت کشوری واسطه درآمد و بر راه ریلی سلطه یافت. اختلافات هندوستان و پاکستان و بی میلی هندوستان به استفاده از این خط و ناامنی آن سبب شد تا هندوستان در اول مارس ۱۹۴۸ حقوق گمرکی راه ریلی را افزایش دهد (ساکما: ۲۴۰۰۰۷۰۹). این مقررات، انگیزه تجار، برای ارسال کالا، از طریق خط راه آهن زاهدان را کاهش داد. ارسال کالا از مسافت دوری چون آذربایجان، اصفهان، و کاشان به زاهدان توجیه اقتصادی نداشت؛ چراکه تجار هم باید متحمل هزینه سنگین ارسال کالا به زاهدان می شدند و هم عوارض گمرکی پرداخت می کردند. افزون بر این، ناامنی راه ریلی، استفاده از مسیر دریایی را توجیه می کرد، چراکه دولت تازه تأسیس پاکستان دولتی فقیر و فاقد منابع صادراتی بود و بیم آن می رفت کالاهای ارسالی به هندوستان، در بین راه به پاکستان انتقال یابد. در همین زمان، دولت هندوستان اعلام کرد که تنها به کالاهای و بنگاهایی پروانه خروج کالا می دهد که کالای ساخت هندوستان را از طریق مسیر دریایی حمل نمایند (ساکما: ۲۴۰۰۰۷۰۹). در واقع، دولت هندوستان، به خاطر ناامنی و اختلاف با دولت پاکستان، با حمل کالا از طریق پاکستان به ایران مخالفت کرد و حمل و نقل کالا از راه ریلی را مخالف سیاست اقتصادی خود دانست و با لغو معافیت های گمرکی حمل کالا از طریق خشکی، وضعیتی ایجاد کرد که مبادلات میان ایران و هندوستان، به اجبار، از راه دریا و به وسیله کشتی های هندی صورت گیرد. این وضع باعث شد تا گمرک زاهدان با رکودی دفعی روبه رو شود. رئیس اداره گمرک زاهدان در گزارشی پیرامون این موضوع می نویسد:

«از چندین ماه پیش درآمدهای این اداره از حیث واردات منحصر به حقوق و عوارض کالاهایی بوده است که قبل از بروز اغتشاش و تحولات اخیر گمرک شده و موجودی های فعلی نیز که در حدود ده هزار صندوق چای متعلق بازرگانان و هزار صندوق چای متعلق بدولت و مقدار خیلی مختصری قماش و کالای متفرقه است ... با وضعیت حاضر ما از اول تیرماه ۱۳۲۷ هیچگونه درآمد و فعالیت قابل ذکری در این حوزه نخواهیم داشت و میتوان پیش بینی نمود که بازرگانان هندوستانی مقیم زاهدان بزودی بنقاط دیگر تغییر مکان داده و دولت پاکستان هم مجبور خواهد شد سازمان راه آهن خود را در اراضی ایران بکلی منحل کند» (ساکما: ۲۴۰۰۰۷۰۹).

نتیجه

مهاجرت سیک ها به زاهدان، به عنوان اقلیتی غیرمسلمان و غیر ایرانی، به واسطه شکل گیری



گمرک، اتصال راه‌آهن هند به دزدآب و به‌منظور اهداف اقتصادی صورت گرفت. اگرچه سیک‌ها موجد و علت شکل‌گیری زاهدان و گمرک آن محسوب نمی‌شدند، از مهم‌ترین پایه‌های توسعه اقتصادی زاهدان بودند. مهاجرت این گروه به زاهدان تغییری در وضعیت مذهبی منطقه ایجاد نکرد و فقط عنصری جدید به بافت مذهبی زاهدان افزود که هر چند در کنار سایر گروه‌های مذهبی منطقه پذیرفته شد اما نه تأثیری بر بافت مذهبی منطقه داشت و نه تأثیری پذیرفت؛ و موارد اندکی از مناقشه که گزارش شده است، بیشتر از آنکه معلول تعصبات مذهبی باشد، ناشی از برخورد دو ساختار متفاوت بود که با گذر زمان به همزیستی اقتصادی تبدیل شد. با وجود این، پس از استقلال هند و جدایی پاکستان تعصبات مذهبی مهم‌ترین عامل مناقشات محسوب می‌شدند و سبب تبدیل همزیستی مسالمت‌آمیز به دشمنی و ناسازگاری اجتماعی و اقتصادی گردیدند.

در زمینه اجتماعی، مهاجرت این گروه، فرصت‌های شغلی جدیدی را به‌وجود آورد که در روند توسعه شهری زاهدان مؤثر بود، ولی سبب محرومیت ساکنان بومی منطقه از برخی فرصت‌های شغلی شد که سیک‌ها به‌واسطه حمایت انگلیسی‌ها و نفوذ دو جانبه در هند و ایران از آن بهره‌مند شدند. تلاش سیک‌ها برای حفظ آداب و رسوم خود و مقاومت در پذیرش ساختارهای اجتماعی مقصد مهاجرت نشان می‌دهد که مهاجرت آنها به زاهدان به‌منظور اسکان طولانی مدت نبوده است و گمان می‌رود اصرار بر این عقیده و سعی در حفظ بایسته‌های گروه، که هرگونه تخطی از آن موجب طرد از گروه می‌شد، از مهم‌ترین علل پذیرش آنها به‌عنوان یک گروه اقتصادی، و نه یک گروه اجتماعی، در منطقه مهاجرپذیر بود. در واقع، جایگاه اجتماعی سیک‌ها پس از استقلال هندوستان تغییری نکرد و همچنان به‌شکل گروهی بسته باقی ماند که به‌سبب نبود اشتراکات مذهبی و فرهنگی فقط روابط اقتصادی باعث پیوند آنها با سایر گروه‌های اجتماعی می‌شد و با از هم گسستن پیوند اقتصادی، ناخواسته دیگر جایی برای این گروه اجتماعی در جامعه نبود.

اغلب، مهاجران را اشخاصی به‌شمار می‌آوردند که برای دستیابی به زندگی اقتصادی بهتر برانگیخته می‌شوند و از مناطق فقیر به مناطقی نقل مکان می‌کنند که فرصت‌های بیشتری به آنها دهد؛ درباره مهاجران سیک باید به این نکته توجه داشت که هرچند انگیزه مهاجرت این گروه اقتصادی بود و فرصت‌های اقتصادی، آنها را به‌سوی زاهدان سوق داد، موطن اصلی آنها نیز از زمینه اقتصادی مناسبی بهره‌مند بود که با اتمام فرصت‌های اقتصادی در زاهدان پذیرای آنها می‌شد. در واقع، تا حدودی فرصت‌های اقتصادی در زاهدان برآمده از سیاست‌های اقتصادی و بازرگانی در هند بود که بر روند و توسعه اقتصادی زاهدان تأثیر مستقیم داشت و اتباع هندی، به‌ویژه سیک‌ها، با بهره‌گیری از این سیاست‌ها به سودهای سرشاری دست

یافتند و در برخی موارد سبب محرومیت تجار بومی از عواید این سیاست‌ها شدند. به دنبال تغییر سیاست‌های اقتصادی هند، که مناقشات مذهبی و سیاسی مهم‌ترین علت آن محسوب می‌شد، روند مهاجرت دگرگون شد و با کاهش فرصت‌های اقتصادی در زاهدان، گمرک این شهر که مسیر توسعه را می‌پیمود، به سوی سرایشی کشانده شد.

کتابنامه

- بازرگان، مهدی (بی تا). *آزادی در هند*. تهران: امید.
- برزین، محمد (۱۳۷۱). *شناسنامه مطبوعات ایران (۱۲۱۵-۱۳۵۷)*. تهران: بهجت.
- جلالی نائینی، محمد رضا (۱۳۷۵). *هند در یک نگاه*. تهران: شیرازه.
- جهانبانی، امان‌الله (بی تا). *عملیات قشون در بلوچستان*. تهران: چاپخانه مجلس.
- خانه فرهنگ جمهوری اسلامی در بمبئی (۱۳۸۴، فروردین). پژوهشی در دین سیک (۱). *مکتب اسلام*، ۴۵، (۲)، ۸۴، ۶۹-۶۵.
- _____ (۱۳۸۴). پژوهشی در دین سیک (۲). *مکتب اسلام*، ۴۵، (۳)، ۵۷-۶۳.
- روشه‌گی (۱۳۷۰). *تغییرات اجتماعی (منصور وثوقی، مترجم)*. تهران: نشرنی.
- زرین کلک، بهناز (۱۳۸۲). *اسنادی از روابط ایران و انگلیس (۱۳۲۰-۱۳۲۵)*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- سرتیپ زاده، بیژن (۲۵۳۶). *فهرست روزنامه های موجود در کتابخانه ملی ایران*. تهران: کتابخانه ملی.
- سلیمانی، کریم (۱۳۷۹). *القاب رجال دوره قاجاریه*. تهران: نشرنی.
- عسگری، ناصر (۱۳۵۷). *مقدمه‌ای بر شناخت سیستان و بلوچستان*. تهران: دنیای دانش.
- فیندلی، سلی (۱۳۷۲). *برنامه ریزی مهاجرتهای داخلی (عبد العلی لهسانی زاده، مترجم)*. شیراز: نوید.
- کریمیان بستانی، مریم (۱۳۸۲، زمستان). پراکندگی جغرافیایی و شناخت حوزه اجتماعی اقلیت سیک در شهر زاهدان. *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۷۱، ۷۹-۹۲.
- گولد، جولوس؛ کولب و یلیام، ل. (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی (مصطفی اذکیبا و دیگران، مترجمان)*. تهران: مازیار.
- گیلبرت، آلن؛ ژوزف، گاکلر (۱۳۷۵). *شهرها، فقیر و توسعه شهرنشینی در جهان سوم (پرویز کریمی ناصری، مترجم)*. تهران: انتشارات اداره کل روابط عمومی و بین المللی شهرداری.
- مابریلی، جیمز (۱۳۶۹). *عملیات در ایران*. (جنگ جهانی اول ۱۹۱۴-۱۹۱۹). (کاوه بیات، مترجم). تهران: رسا.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۶). *تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران (ج ۲)*. تهران: دانشگاه تهران.
- منصف، محمد علی (۱۳۵۴). *امیر شوکت الملک علم*. تهران: امیر کبیر.
- نهر و، لعل جواهر (۱۳۵۰). *کشف هند (محمود تفضلی، مترجم)*. تهران: امیر کبیر.
- یغمائی، اقبال (۱۳۵۵). *بلوچستان و سیستان*. تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی

